

بررسی میزان تأثیر انقلاب اسلامی بر رویکردهای دینی نویسندگان رمان‌های دفاع مقدس^۱

یونس شعاعی^۲
علیرضا شوهانی^۳
رحمان ذبیحی^۴

چکیده

از دستاوردهای مهم برقراری نظام جمهوری اسلامی ایران، احیا و پررنگ نمودن نقش دین اسلام در جامعه و به تبع آن جنگ تحمیلی بود که در گستره ادبیات انقلاب اسلامی و به ویژه در رمان‌های دفاع مقدس قابل بررسی و تحلیل است. تحقیق حاضر بر آن است تا نشان دهد رمان نویسان دفاع مقدس در سه دهه رمان نویسی، با دستاورد دینی انقلاب اسلامی چگونه و با چه رویکردهای برخورد کرده‌اند؟ میزان تأثیرپذیری از محورهای سه‌گانه دین اسلام (اعتقادات، احکام و اخلاق) در آثار خلق شده، تا چه اندازه بوده است؟ برای پاسخی درخور به سؤال‌های مورد نظر، ده رمان دفاع مقدس از سال ۶۱ تا ۱۳۹۰ به شیوه تحلیلی، توصیفی و آماری بررسی محتوایی شده‌اند. برآیند تحقیق حکایت از متغیر بودن میزان و نحوه انعکاس محورهای سه‌گانه دین اسلام در شخصیت‌پردازی، خلق

۱- مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری این جانب با عنوان «نقد و تحلیل رویکردهای دینی در ادبیات داستانی دفاع مقدس از ابتدا تا کنون» در دانشگاه ایلام می‌باشد.

y.shoaei@urmia.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام، ایران

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه ایلام، ایران (نویسنده مسئول)
ar.shohani80@gmail.com

r.zabihi@ilam.ac.ir

۴- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه ایلام؛ ایران

تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۱۷

موقعیت‌ها، صحنه‌ها و درون‌مایه آثار دارد که این امر باعث ایجاد سه نوع رویکرد عمده غالب «تربیتی - تعلیمی»، «فلسفی - کلامی» و «اخلاقی - عرفانی» به دین اسلام در آثار نویسندگان رمان‌های دفاع مقدس شده است.

واژه‌های کلیدی

انقلاب اسلامی، رمان دفاع مقدس، رویکردهای دینی، تربیتی - تعلیمی، فلسفی - کلامی، اخلاقی - عرفانی.

مقدمه

دین، نظامی است که از نخستین روزگاران، زندگی انسان‌ها را در ابعاد مختلف پوشش داده است. ادبیات نیز در سیر تاریخی، کارکرد دینی را در کنار کارکردهای مختلف خود برای تبیین و جهت‌دهی خط فکری جامعه پذیرفته و پروراند است. به طوری که ظهور اسلام، باعث به وجود آمدن نگاه انتقادی از منظر دینی به آثار ادبی شد (زرین کوب، ۱۳۷۱: ۲۰۰) که در آفرینش‌های ادبی و نقد آثار مدنظر ادبا قرار گرفت. تغییر و تحول اساسی جامعه در دوره مشروطه و پهلوی تأثیر بسزایی بر ادبیات ایران گذاشت. توجه به فرهنگ غربی در دوره مشروطه و تلاش در جهت زدودن فرهنگ دینی، احیای فرهنگ ملی و باستانی در دوره پهلوی، عامل کم رنگی توجه به دین اسلام در جامعه، آثار ادبی و حتی طرح و تبیین برخی مسایل ضد دینی شد. پیروزی انقلاب اسلامی، نکته مقابل این جریان را رقم زد. یکی از دستاوردهای مهم انقلاب، احیا و پررنگ نمودن نقش دین اسلام در جامعه و جنگ بود. به طوری که حالت تدافعی و برخورد دینی با جنگ عامل تعبیر آن به دفاع مقدس شد. بدیهی است یکی از ابزارهای تبیین این دستاورد انقلاب، درگستره ادبیات انقلاب اسلامی و به ویژه در رمان‌های دفاع مقدس امکان می‌یابد. این جستار می‌کوشد تا تأثیر این دستاورد دینی، بر نحوه برخورد و رویکرد رمان‌نویسان دفاع مقدس را مورد پژوهش قرار دهد و میزان تأثیرپذیری از محورهای سه گانه دین اسلام در رمان‌های خلق شده، در سه دهه (سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۹۰) را، به عنوان مهم‌ترین و معروف‌ترین شکل تبلور یافته ادبی روزگار ما، مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. بدین منظور رمان‌های «نخل‌های بی سر»، «باغ بلور»، «نفس‌ها و هوس‌ها»، «زیر درخت آلبالو»، «ریشه در اعماق»، «سفر به گرای ۲۷۰ درجه»، «هلال پنهان»، «رقص در دل آتش»، «پل معلق» و «زنج» با استفاده از اصول و مبانی دین اسلام که در سه محور عقاید، اخلاق و احکام نمود می‌یابد، نقد و

تحلیل محتوایی و آماری شده‌اند. همان طوری که ملاحظه می‌شود در جامعه آماری هم رمان‌های برجسته و هم رمان‌های کم شناخته‌تر، انتخاب شده‌اند؛ چرا که توجه انحصاری به آثار برجسته، گذشته از این که زمینه اجتماعی، زبانی، عقیدتی و سایر عوامل مؤثر را مبهم می‌گذارد، ما را در فهم تداوم سنت ادبی، پرورش انواع ادبی و درحقیقت، ماهیت فرآیند ادبی نیز ناتوان می‌کند (میرعابدینی، ۱۳۸۶: ۱۲؛ ولک و اوستین، ۱۳۷۳: ۱۱). مبنای ترسیم این رویکردها نیز میزان و نحوه انعکاس محورهای سه گانه دین اسلام در شخصیت پردازی، خلق موقعیت‌ها، صحنه‌ها، تقابل‌های داستانی و پیوند آن با درون مایه است.

پیشینه پژوهش

آثاری چون «دبیات داستانی جنگ در ایران»، نوشته مهدی سعیدی، «تنگ و ترازو (نقد و تحلیل رمان‌های جنگ)» از بلقیس سلیمانی، «نوشتن در سایه جنگ» نگاشته محمد و محسن حنیف و «جایگاه مذهب در ادبیات داستانی معاصر ایران» نوشته غلامرضا بیات اشاراتی گذرا به برخی مضامین و مباحث دینی در رمان‌های جنگ داشته‌اند. حسن میرعابدینی در کتاب «صد سال داستان نویسی ایران» بخشی را به «ادبیات و جنگ» اختصاص داده و برخی از داستان‌های جنگ را به طور اجمالی از نظر گذرانده‌است. زینب صابریور نیز در مقاله‌ای با عنوان «جریان دینی در رمان فارسی پس از انقلاب اسلامی» نگاهی جریان شناختی به رمان‌های پس از انقلاب دارند. با این حال تاکنون در باب تأثیر دستاورد دینی انقلاب اسلامی و جنگ بر رویکردهای دینی رمان نویسان دفاع مقدس پژوهش مستقل و کارآمدی صورت نگرفته‌است؛ لذا تحقیق حاضر می‌تواند با نگاهی علمی و تازه، تأثیر انقلاب اسلامی در رمان دفاع مقدس را به عنوان مهم‌ترین بخش از آثار ادبیات داستانی بعد از انقلاب مورد کندوکاو خود قرار دهد.

ضرورت و اهمیت تحقیق

در صورتی می‌توان به طور جامع از دستاوردهای انقلاب اسلامی سخن به میان آورد که تمامی جوانب و حوزه‌های این دستاوردها، تک به تک مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد. از آن جایی که یکی از دستاوردهای انقلاب، تأثیرگذاری دینی بر روی فرهنگ و ادبیات جامعه بوده و هست لذا لازم می‌نماید میزان و شکل تأثیر آن به صورت علمی مورد مذاقه و بررسی بیشتری قرار گیرد. همچنین به لحاظ ماهوی در ادبیات داستانی دفاع مقدس ایران، در نوع نگاه به جنگ تفاوت‌هایی با ادبیات

داستانی جنگ غرب به دلیل تأثیرپذیری از انقلاب و حکومت دینی و اسلامی ایجاد شده است، بنابراین با توجه به این تمایز، بررسی و تبیین تأثیر انقلاب اسلامی بر رویکرد دینی آثار ادبی در کنار طرق گوناگون نقد، لازم و ضروری می‌نماید.

یافته‌های پژوهش

دین در لغت به معنی کیش، طریقت، شریعت و ... آمده است؛ اما در معنی اصطلاحی دین، تعریفی که مورد اتفاق نظر همه محققان باشد، وجود ندارد. یونگ دین را عبارت از حالت مراقبت و تذکر و توجه دقیق به بعضی از عوامل مؤثر می‌داند که بشر، عنوان قدرت قاهره را به آن اطلاق می‌کند (یونگ، ۱۳۹۰: ۵) اما در اسلام دین به سه بخش عمده اعتقادات، اخلاقیات و احکام فقهی طبقه‌بندی شده است. به طور مثال کتاب «اصول کافی» کلینی در حدود هزار سال قبل، بر مبنای این ساختار سه گانه به تدوین شده است. احمد نراقی، علامه طباطبایی در «المیزان»، امام خمینی در «چهل حدیث»، مرتضی مطهری (مطهری، ۱۳۸۲: ۶۶) و جوادی آملی نیز بر این تقسیم‌بندی اشاره کرده و آن را پرورنده‌اند. می‌توان از سه بخشی بودن اجزای دین اسلام، سه بعدی بودن انسان را نتیجه‌گیری کرد. (برزگر، ۱۳۸۹: ۷۲-۴۳). فهم عقلانی (اعتقادات)، گرایش‌های عاطفی (اخلاق) و رفتارهای ظاهری (احکام) انسان به ترتیب به مغز و عقل، قلب و اعضا و جوارح انسان تعلق می‌گیرد. بعد از اسلام توجه صاحبان اندیشه به هر یک از ویژگی‌های این مدل سه وجهی در گذر زمان، باعث ایجاد رویکردها و نگرش‌های مختلفی به دین شده است که به طور عمده می‌توان به رویکردهای فلسفی (راه عقل)، عرفانی (راه دل) و فقهی (راه عمل به ظواهر و جوارح) اشاره کرد. این رویکردها در ادبیات نیز به شکل‌های ادبیات تعلیمی، عرفانی و فلسفی و کلامی، نمود و ظهور یافته است. بنابراین با توجه به مقبولیت و جامع بودن این تقسیم‌بندی از دین، احیا و برجستگی این رویکردهای دینی با پیروزی انقلاب اسلامی، البته به شکلی خاص‌تر و توجه نویسندگان به آن‌ها در رمان‌های مورد بررسی، اساس این پژوهش نیز به احصا و تحلیل سه محور اعتقادات، احکام و اخلاق گذاشته شده است. در ارزیابی صورت گرفته، هر سه رویکرد عمده در آثار نویسندگان سه دهه به دست آمد: رویکرد تربیتی - تعلیمی، فلسفی - کلامی و اخلاقی - عرفانی. عموماً رویکرد تربیتی - تعلیمی اختصاص به حوزه اعتقادات، اخلاق و احکام دارد؛ رویکرد فلسفی - کلامی در محور اعتقادات (اعم از توحید، نبوت، معاد، عدل، امامت) نمود پیدامی‌کند و رویکرد اخلاقی - عرفانی هم بیشتر در پیوند با محور اعتقادات و اخلاق دینی است^۱ که این امر حکایت از تأثیر انقلاب اسلامی در احیا و تداوم

رویکردهای مختلف دین اسلام در رمان‌های دفاع مقدّس دارد. با توجه به مجال اندک مقاله، برای نمونه از هر دهه رویکرد دینی یک رمان به طور مفصّل، آورده شده است و مضامین و رویکرد دینی دیگر رمان‌ها نیز با توضیحی مختصر در قالب جدول تبیین شده است.

رویکرد تربیتی - تعلیمی

در خلال دو سال بعد از انقلاب اسلامی، باز تنوع نگرش‌های سیاسی قبل از انقلاب، یعنی دو جریان فکری متأثر از ادبیات شرقی (مارکسیستی) و غربی (روشنفکری و شبه روشنفکری) در آثار نویسندگان ادبیات داستانی مشاهده می‌شود. با این تفاوت که این بار، تحت تأثیر انقلاب اسلامی جریان سوّم قوی‌تری از آن دو شکل گرفته بود که نویسندگان آن از سیاست‌های اسلامی معاصر و مفاهیم دینی و مذهبی در حوزه‌های سه گانه آن با رویکردی تربیتی - تعلیمی الهام می‌گرفتند. این جریان متعهد با راهاندازی نهادی فرهنگی به نام «حوزه اندیشه و هنر اسلامی» پویاتر شد (حنیف، ۱۳۹۵: ۶۰۷) و با شروع جنگ تحمیلی در ادبیات داستانی دفاع مقدّس نمود و برجستگی یافت. در ابتدا انعکاس مسایل دینی و اسلامی با رویکرد تربیتی و تعلیمی توسط نویسندگان جریان متعهد، به نوعی عکس‌العمل در برابر رویکرد تبلیغی ادبیات مارکسیستی و ماتریالیستی بود. رفته رفته دو جریان مذکور به انزوا کشیده شد. از حدود سال ۱۳۶۰، تعدادی از نویسندگانی که گرایش‌های غیرهمسو با انقلاب (شرقی و غربی) داشتند عمدتاً به دو شکل رفتار کردند. معدودی مثل قاضی ربیحاوی، منصور کوشان و ... که گرایش‌های غربی داشتند جلای وطن کردند و به مخالفت با انقلاب و جنگ پرداختند (حنیف، ۱۳۹۵: ۶۰۸). تعدادی نیز در وطن مانده، رویکردی بی‌طرفانه به مسایل دینی در آن برهه، پیش روی گرفتند. احمد محمود از آن جمله داستان نویسانی بود که قبل از انقلاب گرایش به ادبیات شرقی داشت. با تغییر فضای سیاسی، اجتماعی و دینی کشور، در ایران ماند و سعی کرد نگاه بی‌طرفانه ایدئولوژیکی در داستان نویسی جنگ را در پیش بگیرد. نمود بارز این رویکرد را می‌توان در رمان «زمین سوخته» او دید. اساساً رویکرد تربیتی - تعلیمی شکل گرفته از انقلاب اسلامی، در سه دهه رمان نویسی دفاع مقدّس، به عنوان برجسته‌ترین رویکرد بوده است. بسیاری این رویکرد را نزدیک‌ترین گونه به داستان تعلیمی و به ویژه شاخه مهم آن، یعنی داستان تبلیغاتی دانسته‌اند که هدف آن برانگیختن مخاطب نسبت به موضع‌گیری خاصی است (حنیف، ۱۳۹۶: ۳۴). کارکرد تبلیغی این رمان‌ها ارتباط مستقیمی با جنگ داشته، به طوری که این کارکرد بیشتر در دوران جنگ ظهور یافته است (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۱۰). در این رویکرد نویسندگان در کنار دیگر مفاهیم و موضوعات مطرح در رمان،

با خلق موقعیت‌های دینی (استفاده از وضعیت استقرار شخصیت در مجموعه‌ای از وقایع و روابط داستانی است به گونه‌ای که تجربه‌ای دینی را القا کند (ن.ک: مستور، ۱۳۸۴: ۱۷) با بهره‌گیری از شخصیت‌ها و صحنه‌های داستانی، ابعاد و محورهای سه گانه دین را با زبانی تشریحی، توضیحی و حتی مباحثه‌ای مطرح می‌کنند تا به القای تفکر دینی جامه عمل بپوشانند. همان‌گونه که عنوان گردید عواملی در برجستگی این نوع رویکرد دخیل بوده است که می‌توان از آن جمله به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- برقراری جمهوری اسلامی ایران بر پایه موازین دینی و شرعی.

۲- شکل‌گیری جریان متعهد در ادبیات بعد از انقلاب و خلق آثاری در این زمینه.

۳- عکس‌العمل در مقابل جریان تبلیغی ادبیات شرقی و غربی.

۴- شروع جنگ تحمیلی و تسری و برجستگی این موازین در مقوله جنگ.

۵- حمایت برخی از نهادهای دولتی مثل حوزه هنری و ...

از میان رمان‌های بررسی شده، در رمان‌های «نخل‌های بی‌سر» نوشته قاسمعلی فراست در سال ۱۳۶۱، «باغ بلور» نوشته محسن مخملباف» در سال ۱۳۶۵، «فسس‌ها و هوس‌ها» نوشته رضا شایهاری در سال ۱۳۶۷، «زیر درخت آلبالو» نوشته احمد اکبری مازندرانی در سال ۱۳۷۱، «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» نوشته احمد دهقان در سال ۱۳۷۵ و «ژنج» نوشته محمد محمودی نوآبادی در سال ۱۳۹۰ این رویکرد غالب دیده می‌شود که تشریح آن‌ها به تبیین بهتر موضوع خواهد انجامید:

نخل‌های بی‌سر

قاسمعلی فراست و محسن مخملباف از جمله نویسندگانی بودند که ضمن تحکیم حوزه اندیشه و هنر اسلامی (حوزه هنری) و جذب شخصیت‌های جوان داستان‌نویس، در مرحله بعد به خلق داستان‌هایی با رویکرد تربیتی - تعلیمی پرداختند. رمان نخل‌های بی‌سر از نخستین آثار ادبیات داستانی در عرصه جنگ به‌شمار می‌آید (کافی، ۱۳۹۳: ۶۲۸). نویسنده سعی دارد در کنار پرداختن به دفاع از سرزمین، مسائل دینی را عمدتاً به صورت تبلیغی و بعضاً شعاری در قالب شخصیت‌ها، صحنه‌ها و درون‌مایه به مخاطب خود منتقل کند. همان‌طوری که سلیمانی نیز به نقش تهییجی برای دفاع از کشور همراه با پیام ایدئولوژیکی آن اشاره دارد، هسته مرکزی این پیام را دفاع از ارزش‌های ایمانی تشکیل می‌دهد. این رمان بی‌شک رمانی ایدئولوژیک و تبلیغی است (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۲۷۲). عمده توجّه او برای رسانیدن پیام‌های تربیتی - تعلیمی در حوزه اخلاق و اعتقادات و احکام بروز یافته است. درون‌مایه این رمان، به تصویر کشیدن پایداری و ایثار و رشادت مردم خرمشهر در برابر حمله دشمن، توأم با

تقویت معنوی است؛ بنابراین آموزه‌های اخلاقی دین نیز بیشتر بر محور شمردن فضایل اخلاقی شخصیت‌ها استوار شده‌است. دغدغه قهرمانان اصلی داستان غالباً معنوی و عدالت طلبانه و اخلاقی است (زرشناس، ۱۳۸۷: ۳۶۲). به هر حال دوری جستن از نفس، هواهای نفسانی و شیطان، شجاعت، صبر و شکیبایی، ایثار، شوق دفاع و شهادت طلبی، مقاومت و پایداری، اخوت و همدلی، همدردی و دلسوزی، امید و روحیه، وفای به عهد نمونه‌های بارزی از فضایل اخلاق دینی هستند که به قصد تعالی اخلاقی مطرح می‌شوند. حتی بعضی اوقات اگر شخصیتی اخلاق دینی را فراموش کند در جایی دیگر یا با تذکر دیگران مواجه می‌شود و یا استغفار می‌کند که به اصلاح رفتار و تعالی معنوی می‌انجامد (فراست، ۱۳۶۳: ۶۳، ۷۱، ۱۸۸ و ۲۰۸-۲۰۹) جهان‌آرا، ناصر و مادرش به عنوان الگوهایی از صبر و شکیبایی آرمانی در دست نویسنده هستند که به کمک آنان می‌خواهد نحوه صبر بر مصیبت را به مخاطب خود آموزش دهد؛ ناصر با شنیدن خبر شهادت برادرش حسین به آرامی می‌گوید: «خدا قبول کنه» (فراست، ۱۳۶۳: ۱۶۶). در کنار این فضایل اخلاقی، ایثار هم به شکل‌های مختلفی در رمان به طور آرمانی بازتاب داده شده‌است (فراست، ۱۳۶۳: ۱۶۶ و ۲۱۹). عشق به میهن نیز به طور معنوی و تعلیمی مطرح است. طوری که در پایان داستان شهادت ناصر را در چشم مادرش ناچیز کرده، از شهادت او اظهار بی‌غمی می‌کند «چیه صالح؟ چه خبره؟ ... خرمشهر آزاد شده؟ آره گرفتیمش. گفتم خبرو به شما هم بدم. چهره زن واجندیده و گل انداخته است ... دیگه حالا اگه ناصرم شهید بشه، غمی ندارم» (فراست، ۱۳۶۳: ۲۷۵)

نویسنده در محور اعتقادات نیز، بحث توحید را در سه مقوله رضای خداوند، یگانگی خدا و توکل مطرح می‌کند تا نشان دهد که تمامی رشادت‌ها، نبردها و از جان گذشتن شخصیت‌ها به خاطر رضای الهی و حفظ آرمان‌های اسلام است. برای نمونه موقعیت دینی برای القای رضای الهی در شخصیت مادر این‌گونه خلق می‌شود: «خودم می‌دونم اسلام خون می‌خواد اما ... رضام به رضای خدا، ایشالله خدا همه شونو حفظ کنه» (فراست، ۱۳۶۳: ۱۲۵ و ۱۸۴-۱۸۵). یا اعتقاد به یگانگی و توحید را هم به این شیوه در تفکر شخصیت‌ها گنجانده است: «به دهانه کوجه‌ها و تیررس دشمن که می‌رسد، شهادتین می‌گوید و باز می‌دود» (فراست، ۱۳۶۳: ۱۲۶). دیدگاه نویسنده به توکل و القای آن به مخالف نیز به منظور سوق دادن او به این نکته است که همه علل و اسباب به فرمان و طبق اراده و خواست او انجام وظیفه می‌نمایند (شجاعی، ۱۳۸۳: ۴۵) لذا این نکته در فریاد شخصیت رضا دشتی بعد از ناامیدی رزمندگان، خاطر نشان می‌شود: «چتونه؟ فراموش کردین که حقین؟ به همین زودی از کمک خدا غافل شدین» (فراست، ۱۳۶۳: ۸۳ و ۲۲۶).

در خصوص احکام دین نویسنده، جایگاه خاصی را برای طرح موضوعاتی چون نماز، امر به معروف و نهی از منکر، عمل به فتوای مرجعیت دینی، انس با قرآن و راز و نیاز قائل شده است. نویسنده تحت تأثیر فضای دینی حاکم بر جامعه، می‌خواهد نحوه و مسیر زندگی شخصیت‌های داستانی خود را مسیری به سوی کمال‌طلبی معنوی با عمل به احکام دینی نشان دهد تا مخاطبش نیز در این مسیر گام بردارد. برای نمونه پرداختن به نماز و امر به معروف و نهی از منکر در این رمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به نحوی که در صحنه‌ها و شرایط مختلف، ضمن نشان دادن اهمیت آن به مخاطب، این ذهنیت را در او ایجاد می‌کند که نماز به عنوان یک واجب دینی لازم است در هر شرایطی برای طی مسیر تعالی اقامه شود. اشاره به اقامه نماز شخصیت‌های اصلی داستان در شرایط حساس و حتی پرخطر (فراست، ۱۳۶۳: ۲۲-۹۵-۱۷۴-۱۹۵-۲۱۶-۲۱۷) مؤید این ویژگی است. امر به معروف و نهی از منکر نیز در اکثر صحنه‌های رمان و بعضاً به صورت کشمکش به منظور القای مستقیم آن به مخاطب مدنظر نویسنده است. نمونه بارزتر آن در شخصیت ناصر در مواجهه با یکی از سربازانی که اهمیتی به نماز نشان نمی‌دهد، خلق می‌شود که در نهایت عذرش را می‌خواهد (فراست، ۱۳۶۳: ۲۳۳). انس با قرآن و توسل و تاسی به آن هم دو محور مدنظر نویسنده است (فراست، ۱۳۶۳: ۲۵-۲۰۶-۲۷۵). حتی در برخی صحنه‌ها، شعارگویی و پرداختن آشکار و مستقیم به آن نیز مشاهده می‌شود؛ مثل این صحنه که ناصر در جنت‌آباد، برادرش حسین را در حال دودن می‌بیند. می‌خواهد که صدایش بزند، اما با انفجار خمپاره از چشمش گم می‌شود. در آن شرایط چشمش به آیه نوشته شده روی دیوار می‌افتد: «یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا آبائکم و اخوانکم و عشیرتکم ...» که با تاسی از این آیه «دل از برادر می‌کند و با هروله به کمک مردم می‌رود» (فراست، ۱۳۶۳: ۱۳۳ و ۵۸-۱۲۱-۲۵۸).

باغ بلور

در ادبیات داستانی، محسن مخملباف نیز یکی از نخستین نویسندگانی است که توجه به مؤلفه‌های اسلامی در جامعه ادبی کشور را مطرح کرد و برای مدتی به تولید چنین ادبیاتی اهتمام ورزید (صابرپور، ۱۳۹۴: ۱۸۳). رمان باغ بلور از این دست آثار اوست. او در کنار پرداختن به عواقب اجتماعی جنگ در ارتباط با خانواده رزمندگان، جانبازان و شهدا (شوهانی، ۱۳۹۳: ۱۸۹) با زبان هنری و بعضاً انتقادی، به خلق صحنه‌ها و موقعیت‌های دینی پرداخته است. تلاش او بر این بود تا مفاهیم دینی را به عنوان درون‌مایه رمان، برای جهت‌دهی خط فکری جامعه، یادآوری، بازسازی و احیا نمایند تا

احساس دینی نیرو بگیرد. این رمان، نسبت به رمان‌های هم‌رویکرد دیگر در طرح مسایل دینی، سه ویژگی برجسته دارد: ۱- توجه به استفاده از زبان هنری و بلاغی به منظور کاهش تبلیغی بودن اثر ۲- بیان انتقادی مسایل دینی در کنار طرح مسایل اجتماعی ۳- طرح دیدگاه رئالیسم الهی (مثل معجزه). باور آن دوران او به این نکته که «در اسلام هر چیز وسیله‌ای برای نیل انسان به تعالی است؛ و در همین رابطه، ادبیات و هنر نیز به عنوان یکی از طرق رسیدن به خدا مطرح است» (مخملیاف، ۱۳۶۱: ۸۹-۹۰)، باعث شده است که انعکاس مضامین دینی در رمان در هر سه حوزه اعتقادات، احکام و اخلاق بسامد بیشتری نسبت به رمان‌های بررسی‌شده داشته باشد. هرچند او بعدها به عنوان سردمدار جریان روی‌گردانی از این نوع نویسندگی به سوی آثار بی‌خط و ربط و بعضاً انحرافی معرفی می‌شود (سرشار، ۱۳۹۰: ۴۸۷).

نفس‌ها و هوس‌ها

این رمان زندگی و سرگذشت شخصیتی به نام منصور است که در کودکی پدر را از دست می‌دهد و مادرش با پزشک معالج پدر که فردی لاقید و ساواکی است ازدواج می‌کند. منصور که تحمل، شرایط غیردینی و اشرافی حاکم بر فضای خانه را ندارد، ضمن ترک تحصیل به کار تراشکاری مشغول می‌شود. او ضمن شرکت با دوست مذهبی خود در مبارزات انقلاب، با خواهر او نیز ازدواج می‌کند. دکتر شیدا در جریان انقلاب با خانواده به اروپا می‌رود. بعد از پیروزی انقلاب، منصور وارد سپاه شده، به مبارزه با اشرار داخلی می‌پردازد. با شروع جنگ، فرماندهی بخشی از جنگ را عهده‌دار می‌شود، تا این که از ناحیه دو پا جانباز می‌گردد. دکتر شیدا که برای عملیاتی وارد ایران شده بود توسط نیروهای سپاه کشته می‌شود. مادر منصور نیز به ایران بازگشته، با دیدن منصور، زندگی جدیدی را آغاز می‌کند. رضا شابهاری در این رمان نیز مثل نخل‌های بی‌سر و باغ بلور، ضمن نشان دادن باورمندی خود به مسایل دینی، سعی دارد تفکر دینی برگرفته از انقلاب اسلامی را به صورت تعلیمی و تبلیغی، بیشتر با استفاده از تکنیک «گفتن» به جای «نشان دادن» به مخاطب ارایه کند (کافی، ۱۳۹۳: ۶۱۸). به همین خاطر رمان از پرداخت هنری و رسیدن به معناگرایی علی‌رغم انتشار در سال ۱۳۶۷ تا حدودی کم‌بهره است. ویژگی قابل ذکر این رمان در ایجاد تقابل و کشمکش دینی بین جامعه مستضعف و اشرافیان زمان شاه است. نویسنده سعی دارد محورها و موقعیت‌های دینی و ضددینی را در شخصیت‌ها و فضاهای داستانی با استفاده از فنّ تقابل و کشمکش در برابر هم قرار دهد و در پایان گره داستان را با تفوق و پیروزی شخصیت‌های دینی بازنماید. این امر در محورهای سه‌گانه دین با

شدت و حدت خاصی وجود دارد.

زیر درخت آلبالو

احمد اکبری مازندرانی در این رمان، در دو بخش، عمدتاً با ایجاد کشمکش و تقابل داستانی به تبیین مسائل دینی انقلاب اسلامی به مخاطب خود می‌پردازد؛ در بخش اول، از طرفی سعی دارد جریان و تفکر غربی موجود در برخی از افراد جامعه که منجر به نگاه کالایی به مسائلی چون آزادی، زن، حجاب، خانواده و اخلاق شده است را با نقد و تقبیح، اصلاح نماید و از طرف دیگر متعالی بودن مضامین دین اسلام را به صورت استدلالی و با استناد به نظرات خود غربیان و کتابی چون «فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی» از حداد عادل، تبیین نماید. بهره‌گیری از این شیوه، تا حدودی جنبه تبلیغی بودن اثر را به سمت تعلیمی بودن آن متمایل می‌کند. در بخش دوم، در بستر جنگ به نمایش لزوم حفظ اسلام و میهن، مشیت الهی، صبر، رشادت و شهادت می‌پردازد. در این بخش، جنبه تبلیغی آن بیشتر از جنبه تعلیمی است، این رویکرد در محور اعتقادات و اخلاق نمود بیشتری پیدا کرده است. (جدول شماره ۱).

سفر به گرای ۲۷۰ درجه

این رمان، در واقع، روایت احمد دهقان از عملیات والفجر ۵ است. روایتی که در آن جنگ هم ابزاری برای مرگ است و هم وسیله‌ای برای زندگی. نویسنده در یک بعد آن به تصویر شرایط بسیار سخت جنگ می‌پردازد که به شکلی دلخراش انسان‌ها را به کام مرگ و نیستی می‌کشاند و در بعد دیگر چگونگی زندگی انقلابی و دینی را تعلیم می‌دهد و به طور کلی به عنوان یک دوره آموزشی اخلاقی، دینی، دفاعی و اجتماعی عمل می‌کند. این شیوه روایت، آن را به اثری واقع‌گرا تبدیل کرده است. به تبع این نوع نگاه نویسنده، تغییر نسبی در زبان دینی این اثر نیز اتفاق افتاده، آن را کمی متفاوت با زبان رایج دیگر رمان‌های تعلیمی کرده است. این تغییر، عمدتاً در دو محور صورت گرفته است: اول این که کمتر از اصطلاحات دینی رایج ادبیات تبلیغی که در غالب رمان‌های بررسی شده به چشم می‌خورد، استفاده کرده است و دوم این که از ابزار طنز و شوخی به صورتی اثرگذار برای تبیین مسائل دینی بهره برده و بعضاً حتی آن را جایگزین زبان رایج دینی ادبیات داستانی جنگ کرده است: «من صدبار گفتم، اگه امام حسین می‌رفت درس می‌خوند و دکتر می‌شد، بهتر کارش پیش می‌رفت! هفت سال می‌رفت دانشکده پزشکی شام درس می‌خوند و برمی‌گشت کوفه، مردم رو دوا درمون

می‌کرد! چی بهتر از این؟! تو مطب می‌نشست و برای هر مریضی که می‌اومد از اسلام می‌گفت. چه بدی داشت؟ والله چقدر بعد اون این کارو کردن و کارشون هم گرفت! کار به دعوا و کتک کاری هم نمی‌کشید» (دهقان، ۱۳۸۵: ۲۷-۳۶ و ۳۶ و ۱۳۲).

رُنَج

محمّد محمودی نورآبادی در رمان رُنَج به جنگ میان ایران و عراق و جنگ میان دو خانواده پرداخته است. پرویز، قاتل پدر منصور است. او برای فرار از مجازات به جبهه رفته، در جزیره مجنون به لحاظ دینی منقلب می‌شود. منصور به قصد انتقام، به جبهه می‌رود و علی‌رغم تلاش بسیار، مؤفّق به انتقام نمی‌شود، چرا که مشیت الهی بر شهادت پرویز استوار شده بود. نویسنده سعی دارد با برجسته‌سازی عنصر گذشت و بخشش و تأثیرات دینی آن، به بزرگان نظام هم تلنگری بزند که وقتی منافع ملی مدّ نظر است از دغدغه‌های فردی و جناحی و سیاسی خود بگذرند و نگاه به موضوع‌های کلان و منافع ملی داشته باشند: «اصلاً مولامون می‌گه لذتی که در گذشته، در انتقام نیس. خدارو خوش نمی‌آد که با هم بد باشین، اونم به همچه جایی که جبهه است و با دعای مردم و لطف خدا کارا پیش می‌ره» (محمودی، ۱۳۹۰: ۵۹).

نویسنده علاوه بر این، بسترهای دیگری را نیز، با رویکرد تعلیم مسائل دینی و انقلاب اسلامی فراهم ساخته است. ویژگی این رمان مثل باغ بلور در نگاه انتقادی - اصلاحی به برخی آداب و رسوم غیردینی نظیر؛ خون بس، انتقام‌جویی، تعصبات قومی، توجه به تحقیر دیگران و بی‌توجهی به آموزه‌های قرآنی و سیره ائمه اطهار و رفتاری انقلابی است. در این اثر نیز مضامین دینی در دو محور اعتقادات و اخلاق نمود بیشتری یافته است. جدول زیر مصادیق مضامین دینی در شش رمان بررسی شده را با رویکرد تربیتی - تعلیمی به وضوح نمایش می‌دهد:

جدول ۱. رویکرد تربیتی - تعلیمی

محورها	عنوان					
توحید	نخل‌های بی‌سر	باغ بلور	هوس‌ها و نفس‌ها	زیر درخت آلبالو	سفر به گرای ۲۷۰ درجه	رُنَج
	۱. یگانگی خدا	۱. رضای خدا	۱. ایمان به خدا	۱. ایمان و کفر	۱. تکبیر	۱. اراده و مشیت
	۲. رضای خدا	۲. تظاهر به رضا	۲. یگانگی خدا	۲. اراده و مشیت	-	۲. رضای خدا
	۳. توکل	۳. توکل	۳. رزاقیت	۳. قضا و قدر	-	۳. توکل

			۴.رضای خدا					
			۵.توکل					
اعتقاد	نبوت	حضرت محمد	حضرت محمد	حضرت محمد	حضرت محمد	حضرت محمد	حضرت محمد	
	عدل				۱.حدّ			
ات	معاد	۱.قیامت	۱.مرگ و ابدیت	۱.محشر	۱.قیامت	۱.قیامت	۱.قیامت	
		۲.صحرای محشر	۲.شهادت	۲.جهنم	۲.صحرای محشر	۲.صحرای محشر	۲.صحرای محشر	
		۳.روسفیدی در پیش امام حسین	۳.قیامت و پاداش اخروی		۳.پاداش و اجر اخروی و تظاهر		۳.پاداش و اجر	
					۴.بهشت(باغ بلور)			
احکام	امامت	۱.امام علی	۱.امام علی	۱.امام علی	۱.امام حسین / کربلا	۱.امام علی	۱.امام علی	
		۲.امام زمان		۲.امام زمان	۲.امام رضا	۲.امام زمان	۲.امام زمان	
		۳.امام حسین و کربلا		۳.امام حسین	۳.حضرت فاطمه	۳.امام حسین	۳.امام حسین	
		۴.امام رضا		۴.حضرت زینب		۴.امام رضا	۴.امام رضا	
		۵.ولایت فقیه		۴.ولایتمداری و ولایت فقیه			۵.ولایتمداری و ولایت فقیه	
احکام	واجبات و محرمات	۱.نماز	۱.نماز	۱.نماز	۱.نماز	۱.نماز	۱.نماز	
		۲.امر به معروف		۲.لزوم رعایت حدود شرعی	۲.امر به معروف	۲.امر به معروف	۲.امر به معروف	
				۳.امر به معروف	۳.غسل میت		۳.غسل میت	
					۴.حلال و حرام		۴.حلال و حرام	
					۵.نیش قبر		۵.نیش قبر	
					۶.موسیقی		۶.موسیقی	
					۷.رعایت حدود شرعی با نامحرم		۷.رعایت حدود شرعی با نامحرم	
					۴.استعمال مشروبات الکلی		۴.استعمال مشروبات الکلی	
		مستحبات	ت	۱.راز و نیاز	۱.دعا و راز و نیاز	۱.توسّل به قرآن	۱.دعا و نذر	۱.راز و نیاز
				۲.انس یا قرآن	۲.ازدواج		۲.قرآن	۲.انس یا قرآن
					۳.آداب شرعی خواستگاری			
		۱.دوری از نفس و هوای نفسانی	۱.شجاعت	۱.شوق دفاع و شهادت طلبی	۱.ایثار	۱.دوری از نفس و هوای نفسانی		
		۲.شجاعت	۲.صبر و شکیبایی	۲.وفای به عهد	۲.تقوا و مراقبت	۲.شجاعت		
		۳.صبر و شکیبایی	۳.فداکاری	۳.ایثار	۳.حجاب	۳.صبر و شکیبایی		
		۴.ایثار جانی و مالی	۴.دلپسنگی	۴.شوخی طبعی با	۴.وفای به عهد	۴.ایثار جانی و مالی		

فضایل			نداشتن به امور دنیایی	الفاظ دینی	بین دیگران
۵. شهادت طلبی	-	۵. حقیقت‌جویی	۵. حجاب	۵. شجاعت	۵. گذشت/فداکار
۶. مقاومت و پایداری	-	۶. مقاومت/پایدار ی	-	۶. اخوت/همراه ی	-
۷. اخوت و همدلی	-	۷. ثبات قدم در مسیر دین اسلام	-	-	-
۸. همدردی /دلسوزی	-	-	-	-	-
۹. امید و روحیه	-	-	-	-	-
۱۰. رفتار اسلامی با اسرا	-	-	-	-	-
۱۱. وفای به عهد	-	-	-	-	-
۱. سو استفاده از موقعیت جنگ	۱. ریا	۱. نفس‌پرستی	-	-	۱. خون پس
-	۲. نفس‌پرستی	-	-	-	۲. انتقام‌جویی
-	۳. غیبت	-	-	-	۳. تعصب قبیله‌ای
-	۴. غرور و تکبر	-	-	-	۴. طعنه و تحقیر
-	۵. بدگمانی و سو ظن	-	-	-	۵. بی‌توجهی به آموزه‌های دینی

فلسفی - کلامی

شرایط خاص جنگ در دهه شصت، به طور مشخص پرداختن به مباحث تعلیمی و تهییجی را می‌طلبید. تشویش روزگار، نیاز به فراخواندن رزمندگان به میدان‌های نبرد و همچنین نوپایی و کم‌تجربگی نویسندگان ادبیات داستانی دفاع مقدس، سبب می‌شد تا بستر مناسب برای خلق رمان‌هایی با رویکرد فلسفی یا عرفانی فراهم نشود. پایان یافتن جنگ و برقراری آرامش نسبی، تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران، تأمل در ماهیت و وجوه مختلف دین و جنگ و بالندگی نویسندگان سبب شد تا برخی از آنان با نگاهی فلسفی و عرفانی به موضوع جنگ بپردازند. این ایام مقارن با رشد و بلوغ ادبیات جنگ بود. این تعالی در دهه هشتاد نیز تداوم و ترقی می‌یابد. عمدتاً رویکرد فلسفی - کلامی در حوزه اعتقادات (اعم از توحید، نبوت، معاد، عدل، امامت) مورد تبیین است. در سیر تاریخی، رویکرد فلسفی - کلامی و اخلاقی - عرفانی پس از رویکرد تربیتی - تعلیمی قرار می‌گیرد. رویکرد فلسفی را به طور ویژه در دو رمان «هلال پنهان» نوشته علی اصغر شیرزادی (۱۳۷۷) و

«پل معلق» نوشته محمدرضا بایرامی (۱۳۸۱) می‌توان دید. عمدتاً نگاه و تحلیل فلسفی نویسندگان رمان دفاع مقدس بر محور دو انگاره مهم مرگ و زندگی می‌چرخد. قاعدتاً پیوند تنگاتنگ جنگ با حیات و همچنین نگاه ارزشی و تقدسی برگرفته از انقلاب اسلامی به جهاد و شهادت در راه حق، زمینه‌ساز محوریت این دو است. به عبارت دیگر درون‌مایه و واژگان کانونی این آثار را مرگ و زندگی تشکیل می‌دهد و مضامین و حوزه‌های دینی مطرح شده دیگر، در راستای تقویت و تبیین آن‌ها صورت می‌گیرد.

هلال پنهان

هلال پنهان با اقتباسی قرآنی از داستان حضرت یونس علیه السلام آغاز می‌شود: «إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ * فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ * فَالْتَمَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ» (چون به سوی کشتی گرانبار گریخت * پس قرعه زدند و قرعه به نام او افتاد * ماهی او را بلعید و او سزاوار ملامت بود) (الصفات: ۱۴۲-۱۴۰). یکی از ویژگی‌های ممتاز رمان، تبدیل محتوای تاریخی به حقیقت فلسفی است. این رمان، رمانی درباره رویدادهای جنگ نیست، گرچه این رویدادها تخته پرش نویسنده محسوب می‌شوند. آن چه در این رمان چشمگیر است حضور انسان در موقعیتی به نام جنگ است. در واقع نویسنده تلاش می‌کند تا حقایق انسانی - فلسفی را مورد تجزیه و تحلیل قرار بدهد. البته این کار با روایت داستانی و از طریق کنش شخصیت‌ها یا تحلیل کنش شخصیت صورت می‌گیرد. (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۱۹۴) این حقایق، مرگ و زندگی و عشق است. شخصیت اصلی این داستان «یونس بشیران» نام دارد که اشتراک اسمی وی با حضرت یونس علیه السلام مورد تعدد شیرزادی بوده است. در حقیقت وقایع داستانی و سیر زندگی یونس بشیران، بازآفرینی هنری داستان حضرت یونس با الهام از قرآن برای نمایش تجربه دینی و انقلابی است. یونس بشیران در پی شرایط سخت جبهه به مانند حضرت یونس دچار سردرگمی و ملال شده، جنگ را ترک می‌کند. بعد از این رویداد به عذاب وجدان و دغدغه‌های فلسفی گرفتار می‌شود. وی برآن است تا با نوشتن در باب جنگ به اقناع این خارخارها بپردازد: «نویسنده‌ای که با خودش می‌جنگد. اگر سر بلند بکند و گردن راست بگیرد، می‌ترسد مبادا شماتت و سرزنش وجدان آزرده - و خوشبختانه - نیرومندش را با خطی جلی از آتش توی هوا و آسمان بالای سرش ببیند» (شیرزادی، ۱۳۷۷: ۶۶) لذا همین تأثیرات است که بشیران را پس از سیزده سال به خودش باز می‌گرداند تا نسبت به جنگ و انقلاب ادای دین کند (حنیف، ۱۳۸۶: ۱۳۰). پرداختن به مرگ به عنوان عظیم‌ترین موضوع زندگی (شیرزادی، ۱۳۷۷: ۹۴) با طرح دو دیدگاه مادی

و فلسفی - کلامی همراه است. منظور نویسنده از طرح دیدگاه مادی، تبیین و برجسته‌سازی نگاه فلسفی به مرگ و زندگی است که با بهره‌گیری از صحنه‌ها و شخصیت‌های مختلفی چون بازاریان، یونس بشیران، سروان یارزاولی، سروان نصرالله آقایی و سروان شریف نامداریان اتفاق می‌افتد. در ابتدای رمان با حضور تعدادی از بازاریان تهران در جبهه برای اهدای برخی از اقلام غذایی به همراه جوشن کبیر و کفن ملفوف برای مردان مرد (شیرزادی، ۱۳۷۷: ۲۱) باب طرح دیدگاه مادی به مرگ باز می‌شود. بازاریان و راننده آنان تیپ‌هایی معرفی می‌شوند که مرگ معنابخش زندگی آنان نیست. نگاه نویسنده بر این است که این تیپ‌ها معنای مرگ را به دلیل دوری از جبهه و جنگ نمی‌توانند خوب درک کنند (شیرزادی، ۱۳۷۷: ۵۱). در حقیقت دل‌مشغولی‌های زندگی مادی و دنیوی، معنای کلی زندگی آنان را تشکیل می‌دهد و اگر داوطلبانه برخی از اقلام کمکی را به منطقه می‌برند به دلیل ثبت خاطراتی از آن برای زندگی مادی است: «داوطلبانه و فداکارانه راه افتادیم تا مقادیری کمپوت گیلاس و هلو، کانفت زنجبیلی و چند کامیون حامل کنسرو لوبیا و بادمجان (اهدایی اصناف مربوطه) را به جبهه‌ها برسانیم و با رزمندگان محشور بشویم و فیض ببریم و بعد هم انشاءالله به سلامتی و به خیر و خوشی برگردیم سر کار و کسب‌مان» (شیرزادی، ۱۳۷۷: ۱۹). با حضور در منطقه و شنیده شدن صدای خمپاره و چپ شدن جیب‌شان، رفتن به آن‌جا را نوعی جنّی شدن و در هچل افتادن می‌خوانند: «نمی‌دانیم چرا یک دفعه به فکر می‌افتیم که اصلاً چرا یکهو جنّی شده‌ایم و تا اینجا آمده‌ایم. لابد عشق عکس یادگاری انداختن روی تانک و کنار توپ، با چفیه دور گردن و با پیراهن چهارجیب خاکی شکاری، کلاشینکف، یا دلیرانه‌تر و بهتر، آر.پی.جی به دست ... حالا دیگر دیر شده. بگویی نگویی گیر افتاده‌ایم و ... دستی دستی خودمان را توی هچل انداخته‌ایم» (شیرزادی، ۱۳۷۷: ۲۰). و وقتی کفن را که به عنوان هدیه‌ای مخصوص به سروان یارزاولی می‌دهند و او آن را می‌پوشد و وارد سنگر آنان می‌شود از ترس، باب‌الحوائج را صدا می‌کنند (شیرزادی، ۱۳۷۷: ۲۳).

در تقابل با این دیدگاه، دیدگاه متعالی از مرگ با رویکرد فلسفی - کلامی مطرح می‌شود. این دیدگاه در سروان یارزاولی، نصرت الله آقایی و بهمن شریف نامداریان و ... درک می‌شود. مرگ برای اینان به زندگی معنی می‌دهد به طوری که پوشیدن کفن توسط سروان یارزاولی تعبیر به «رخت محشر» می‌شود و حال خوش به او دست می‌دهد: «سروان سینه صاف کرد: بیدار شدم دیدم بیکارم و گفتم بدک نیست این رخت محشر بپوشم و گشتی دور خود بزنم. راستش - جداً عرض می‌کنم - حال خیلی خوش به ام دست داده بود و چه جور بگویم» (شیرزادی، ۱۳۷۷: ۲۴). و با آن کفن ملفوفه در کوله پشتی سربازی‌اش به میدان جنگ می‌رود که نشان دهنده تفکر متعالی وی به مرگ است

(شیرزادی، ۱۳۷۷: ۴۵). به گونه‌ای رفتارهای وی نشان می‌دهد که گویی او به دنبال مرگ است نه مرگ به دنبال او: «سروان یارزاولی با فرود یک گلوله توپ، درست وقتی که به سلامت از میدان مین گذشته است، به هوا پرتاب می‌شود و به طرز مضحک احساس شادی و سبکی می‌کند: «چه قدر خوب شد؛ چه قدر خوب و درست فکر کردم و به فرهاد گفتم که عکسم را با درجه سرگردی بگیرد» (شیرزادی، ۱۳۷۷: ۷۴).

شخصیت‌پردازی سروان نصرت‌الله آقایی نیز به این گونه است. او خلبانی است با قامتی پهلوان آسا و فروتن (شیرزادی، ۱۳۷۷: ۵۵) که بی‌هیچ اجبار حرفه‌ای برای پرواز، خودخواسته بدون خستگی، عافیت طلبی و حسابگری و با وقوف کامل از خطر در وضعیت قرمز دل به دریا می‌زد و بهتر از هر کسی می‌داند که بر فراز آتشفشان مرگ پرواز می‌کند (شیرزادی، ۱۳۷۷: ۵۷) و در این راه به شهادت می‌رسد. او شخصیتی است که در ظلمات زمین، در ظلماتی که آفتاب را راهی به آن نیست غرق نمی‌شود (شیرزادی، ۱۳۷۷: ۵۶) گو این که «از ابتدا نبود و هر چه گذشته بود متعلق به دنیای دیگر و اشخاص دیگری بود» (شیرزادی، ۱۳۷۷: ۶۴) و اما فحوای کلی رمان پاسخ به این سوال اساسی درباره مرگ و زندگی است که انسان چرا زندگی می‌کند؟ و چگونه باید با مرگ رودر شود؟ بشیران به عنوان شخصیت اصلی داستان از استاد خود، مسیح بروشکی، چنین می‌آموزد که مرگ از آن روی مبهم‌ترین موضوع زندگی است که عظیم‌ترین موضوع در این باب است (شیرزادی، ۱۳۷۷: ۹۴). پیرمردی که برای شناسایی جسد پسرش به سردخانه می‌رود متوجه زنده بودن سروان ابراهیم یارزاولی می‌شود که بر اثر جراحات جنگی شهید پنداشته شده است. بشیران با توجه به این سخن دکتر که سروان یارزاولی حداقل هفت ساعت پیش فوت کرده است، این گونه نظر خود را بیان می‌کند: «بگو هفت ثانیه، هفت سال، هفتاد قرن. چه دیده بود؟ چی فهمیده بود؟ آیا توانسته بود از خاموشی محض نغمه‌ای بیرون بکشد؟ در آن هفت قرن، در آن هفتاد قرن ... آیا توانایی او در ادراک مغشوش، هیچ سایه‌ای از رازی سر بر مهر را - حتی در استعاره‌ای به شدت گنگ و عمیقاً خط‌آمیز - به دایره مرتعش اکتشاف ناگفتنی نمی‌آورد. اگر چنین باشد و بشود، شاید قانع بشویم که پوزخند زدن به سیمای مرگ در متن جنگ چه توجیهی برمی‌دارد. و این گشایش شاید پاداش مجازی و این جهانی ایمان باشد که تنها در میدان جنگ به جنگجوی مؤمن بخشیده می‌شود» (شیرزادی، ۱۳۷۷: ۷۵).

پل معلق

درون‌مایه اصلی رمان پل معلق نیز نشان دادن موقعیت انسان در حال جنگ و شروع نحوه رویارویی

او با مرگ و زندگی است. گره و سوال فلسفی از مرگ و زندگی و نحوه رویارویی با آن‌ها توسط شخصیت نادر در مواجهه با بیماری لاعلاج خواهرش مطرح شده، با بمباران تهران و شهادت خانواده، تشدید می‌شود و توان مواجهه با آن واقعیت فلسفی را از دست او خارج می‌کند. و باعث ایجاد زمینه‌های پوچی و بی‌معنایی زندگی در ذهن او می‌شود: «زندگی همه‌اش کشک است، هیچ است، پوچ است. مرگ هر آن می‌تواند سر برسد» (بیرامی، ۱۳۸۶: ۷) و در صحنه‌های مختلفی به آخر خط می‌رسد؛ یا آرزوی مرگ (بیرامی، ۱۳۸۶: ۲۹) و یا قصد خودکشی از روی پل تله‌زنگ را می‌کند (بیرامی، ۱۳۸۶: ۹۲). نویسنده با استفاده از جریان سیال ذهن و شیوه روایت تک‌گویی درونی، تفسیرهای مختلفی از زندگی و رویارویی با مرگ را به کمک شخصیت‌ها می‌آفریند. در این باره شخصیت‌هایی چون نادر و پدر و مادرش، راننده لودر، پیرمرد، کارگران بازسازی پل تله‌زنگ، سربازان و رزمندگان به ایفای نقش می‌پردازند. رویکرد نویسنده برای بازکردن گره داستانی غالباً دینی است. هر یک از شخصیت‌ها درباره مرگ و زندگی اعتقادی را به نادر منتقل می‌کنند؛ مثل اعتقاد به اراده و مشیت الهی در مرگ و زندگی «اگر تیغ عالم بجنبد ز جای / نبرد مویی تا نخواهد خدای» (بیرامی، ۱۳۸۶: ۱۴)، اعتقاد به تلاش و سپس توکل، اعتقاد به تعبیر شهادت به جای مرگ (بیرامی، ۱۳۸۶: ۳۷ و ۳۸)، اعتقاد و توسل به آیات قرآن درباره مرگ: «أینما تَکونوا یأتِ بِکُم الموت» (بیرامی، ۱۳۸۶: ۴۴ و ۴۵)، اعتقاد به دلگیری امام زمان علیه السلام برای گناهان مردم و این که انسان باید به جای غم مرگ، غم گناهان خود را بخورد (بیرامی، ۱۳۸۶: ۱۲۱)، امتحان الهی با مرگ: «خدایا! اگه امتحانه، بهتر بود از کسی بگیری که کمی خوانده، من از اولش رد بودم» (بیرامی، ۱۳۸۶: ۳۷ و ۴۴) و پایان نیافتن زندگی انسان با تجزیه جسد: «در سال‌های انقلاب مخالفان را با هلیکوپتر می‌آوردند و از بالا پرت می‌کردند آن تو (دریاچه نمک) تا اثری ازشان باقی نماند ... یعنی طوری می‌شد که انگار اصلاً وجود نداشته. می‌شد آدمی که، نه گذشته‌ای داشته و نه حالی و نه تعلق خاطر. ولی آیا می‌شد که آینده‌ای هم نداشته باشد؟ آیا آن پنجاه میلیون سلولی که در هر ثانیه می‌مردند، توانایی این را داشتند که همه چیز را طوری پاک کنند که انگار اصلاً - از اول - وجود نداشته‌اند؟ سر در نمی‌آورد» (بیرامی، ۱۳۸۶: ۲۷-۲۶). او در پایان چاره انسان را برای امید و معناداری زندگی در توسل و استعانت از خدا و پیامبران و امامان می‌داند. (بیرامی، ۱۳۸۶: ۸۸ و ۹۲ و ۱۰۹). لذا در اوج یأس و دل‌مردگی فلسفی خود با توسل، چاره از خداوند می‌جوید: «دید دارد از پا درمی‌آید. نشست رو زمین. گفت خدایا نه من مسیحم نه اینجا جلجتا! به عظمتت یا جانم را بگیر یا راهی به کارم بگشا» (بیرامی، ۱۳۸۶: ۱۰۲). این توسل به خداوند عامل فتح بابی در امید به زندگی (زدن هواپیمای دشمن و عشق به دختری به عنوان چاشنی

حیات انسانی که می‌تواند مقدمه‌ای بر عشق خداوندی باشد) می‌شود: «فکر کرد خون در رگ‌هاش می‌دود و فکر کرد شاید بتواند دوباره برگردد سراغ دفترچه‌ای که مدتی است چیزی در آن ننوشته» (بیرامی، ۱۳۸۶: ۱۳۱) و این که آخر خط زندگی در تصوّر دیگران می‌تواند ابتدای خطی برای زندگی دیگر باشد.

جدول ۲. رویکرد فلسفی - کلامی

عنوان		محورها
پل معلق	هلال پنهان	توحید
۱. اراده و مشیت خدا	۱. یگانگی خدا	
۲. شکر و رضای خداوند	۲. رضای خدا	
۳. امتحان الهی	۳. توکل	
۴. توکل	-	اعتقادات
۱. حضرت محمد ﷺ	-	
۱. مرگ اندیشی	۱. مرگ اندیشی	معاد
۲. نگاه به زندگی	۲. نگاه به زندگی	
۱. امام علی (ع)	۱. ولایت مداری و ولایت فقیه	امامت
۲. امام زمان (عج)	-	
۳. امامزاده داوود	-	
۱. قربانی	۱. نماز	واجبات
۱. توسل به قرآن	۱. توسل به قرآن	مستحبات
۲. غسل شهادت	-	
۱. شهادت و شهادت طلبی	۱. ایثار و شوق دفاع و شهادت طلبی	فضایل
۲. دعا	۲. وفای به عهد	

رویکرد اخلاقی - عرفانی

با گذشت زمان و فاصله از دهه شصت، کم کم تحولاتی در ساختار، توجّه به شخصیت‌های مختلف داستانی و افسار مختلف درگیر جنگ، زبان داستانی، عناوین، مضمون و درون‌مایه رمان‌های جنگ به وجود آمد. به تبع این تحولات در نوع نگاه و رویکرد نویسندگان رمان‌های جنگ به مضامین دینی نیز تحولاتی صورت گرفت. به طوری که برخی از آنان با رویکرد اخلاقی - عرفانی به مضامین دینی نگرستند. دلیل این نگرش را می‌توان در دو بعد فکری و هنری دید. نویسندگان از طرفی از معنویت عرفانی جبهه‌های جنگ تأثیر گرفتند و از طرف دیگر با رشد و بالندگی فکری تلاش کردند زبان رایج دینی رمان‌های جنگ را از مستقیم‌گویی و تبلیغی به هنری‌گویی عرفانی تغییر دهند.

هرچند که رگه‌هایی بسیار نازکی از نگاه عرفانی در رمان‌های باغ بلور، زیر درخت آلبالو و نخل‌های بی‌سر دهه شصت دیده می‌شود؛ اما به طور ویژه این رویکرد را می‌توان در دو رمان «ریشه در اعماق» ابراهیم حسن بیگی و «رقص در دل آتش» سعید عاکف دید. با این تفاوت که در رمان رقص در دل آتش پررنگ‌تر و عمیق‌تر از ریشه در اعماق است. این رویکرد در هر دو رمان عمدتاً در پیوند با محور اعتقادات و اخلاق دینی مطرح شده است:

رقص در دل آتش

رمان رقص در دل آتش، با مقدمه‌ای از فیه ما فیه مولانا آغاز می‌شود: «در آدمی عشقی و دردی و طلبی و خارخاری و تقاضایی هست که اگر صد هزار عالم ملک او شود، که نیاساید و آرام نیابد. این خلق به تفصیل در هر پیشه و حرفتی ... آرام نمی‌گیرند، زیرا آنچه مقصود است به دست نیامده است. آخر معشوق را «دلارام» گویند؛ یعنی که دل به وی آرام گیرد. پس به غیر چون آرام و قرار گیرد؟ این جمله خوشی‌ها و مقصودها، چون نردبانی است و چون پای‌های نردبان، جای اقامت و باش نیست از بهر گذشتن است. خنک او را که زودتر بیدار و واقف گردد تا راه دراز بر او کوتاه شود و درین پای‌های نردبان، عمر خود را ضایع نکند» (عاکف، ۱۳۹۳: ۶). به واقع، وقایع داستانی و سیر زندگی شخصیت‌هایی چون علی، سیدمهدی و شفیع، بازآفرینی سیر عرفانی آنان با الهام از سخن مولاناست که در نهایت با شهادت به دلارام خود می‌رسند. اینان شخصیت‌هایی معرفی می‌شوند که با پایبندی خاصی به، شریعت، طریقت را با هدایت و حمایت امامان و معصومین (علیهم‌السلام) و اولیای خدا طی می‌کنند و در نهایت با شهادت در راه انقلاب به لقاالله و ملاقات امامان می‌رسند. در این بین علی شخصیتی است که پدرش با توصیه یعقوب چوپان توفیق قرارگرفتن (عاکف، ۱۳۹۳: ۷۱) در مسیر طلبگی دینی (شریعت) را می‌یابد: «این بچه عاشق طلبگی و عاشق علمه، علمی که برسوندش به خدا؛ هیچ وقت سر راهش رو نگیر» (عاکف، ۱۳۹۳: ۲۱). یعقوب چوپان رمز اولیای الهی است. بر اعمال و رفتار خود مراقبه دارد (عاکف، ۱۳۹۳: ۸۸). علی وقتی از فتنه «طوبی» در شب سرد به دل کوه با توسل به امام زمان (علیه‌السلام) پناه می‌برد، توسط یعقوب نجات یافته و بعد از چهل روز (چله نشینی) به نزد خانواده خود بازمی‌گردد (عاکف، ۱۳۹۳: ۳۶ و ۴۱). بعد از آن به مسائل اعتقادی دین، ایمان و باور قلبی پیدا می‌کند. نیتش به جلب رضای خداوند تغییر می‌یابد. توکل در بالاترین درجه در او خود را نشان می‌دهد. طبیعت به عنوان مظهری از خداوند در دید او جلوه می‌یابد: «دریا خصوصیتش اینه که اگر به‌اش دقیق بشی ... تو رو محو خودش می‌کنه. اگر هم اهل دل باشی، که تورو محو حق می‌کنه ... حالا

هم علاقه من به دریا و به طبیعت، برای اینه که همه این‌ها رو خدا آفریده» (عاکف، ۱۳۹۳: ۴۰). به حضور قلبی عرفانی می‌رسد: «علی هم سر نماز، و وقت دعا و زیارت، هیچ‌کس را نمی‌دید. تازه امروز توانستم درکش کنم» (عاکف، ۱۳۹۳: ۲۰۰)، «از همون اول باید می‌دونستم که تو مال زمین نیستی، تو اهل سمایی» (عاکف، ۱۳۹۳: ۱۷۷ و ۲۰۱). تعبیری عرفانی از آیات قرآنی را بیان می‌کند: «یا ایها الناس، انتم الفقراءِ إلی الله»، ... و یا در آیه دیگه‌ای فرموده: و الله الغنی و انتم الفقراءِ. ... می‌بینی اساس حرکت آدم توی نیازه. غریزه جنسی و اقتصاد و فکر و همه این‌ها، جزو احتیاجات بشره ... من و تو و همه انسان‌های کره زمین، یک نیاز اصلی داریم که تا به حدّ فهم و درکِ اون نیاز نرسیم، و تا اون نیاز برآورده نشه، طعم آرامش و خلاصی از کُرّ و فرّ و هیاهوی دنیا رو نمی‌چشیم» (عاکف، ۱۳۹۳: ۱۹۰-۱۸۹). نویسنده حضور در جبهه و جنگ در لبنان را در حکم سیر آفاقی و انفسی برای او تصوّر می‌کند. او در این سیر به کرامتی می‌رسد که می‌تواند از دست دختر جاسوس لبنانی که نگاهی خصمانه و شهوانی به او دارد (نماد نفس انسانی) با توسّل به حضرت فاطمه (علیها السلام) رهاشود و خبر شهادتش را از آن حضرت بشنود (عاکف، ۱۳۹۳: ۱۶۰). با دیدن این کرامت، دختر که در نقش دشمن ظاهر شده است، شیفته او می‌شود و در تب جان می‌بازد (نفس اماره تبدیل به نفس مطمئنّه می‌شود) (عاکف، ۱۳۹۳: ۱۹۳). و با شهادت مسیر عرفانی را طی می‌کند: «مادر ناله کرد: انا لله و انا الیه راجعون، و گفت: علی من به آرزوش رسید، رفت پیش امام حسین (علیه السلام)» (عاکف، ۱۳۹۳: ۱۹۳). نویسنده کمابیش به این ویژگی‌های اخلاقی و عرفانی شخصیت سیدمهدی و شفیع نیز پرداخته است. سید نیز اهل مراقبه است. در مبارزه با نفس در جبهه به مقامی می‌رسد که دیگر خودش را نمی‌بیند و خودی برای خودش متصوّر نیست: «چگونه می‌شود که شخصی خودش را نبیند و به خاطر همین ندیدن، اسم خودش را توی آمار ندهد ... شفیع می‌گفت: این یعنی عشق» (عاکف، ۱۳۹۳: ۲۴۳). او به کرامتی دست می‌یابد که می‌تواند با نیروی اندک بر دشمن غلبه کند و ضمن اطلاع از شهادت خود به دیدار امام و شهادت نایل می‌شود و حتّی ذره‌ای از جسدش پیدا نشود: «من امشب به لطف امام زمان (علیه السلام) زنجیرهامو پاره می‌کنم» (عاکف، ۱۳۹۳: ۲۵۹-۲۵۸). نویسنده در ادامه رمان گره از سمبل زنجیرها را در قالب وصیت‌نامه او با بیانی عرفانی می‌گشاید: «خدایا از تو می‌خواهم که حتّی یک ذره از من باقی نماند، از این من لعنتی» (عاکف، ۱۳۹۳: ۲۰۶). شفیع نیز شخصیتی پویاست که با سابقه شرارت در گذشته، تحت تأثیر علی و سیدمهدی و مراقبت از نفس (عاکف، ۱۳۹۳: ۳۰۷) به کرامت می‌رسد و به تعبیر سیدمهدی زنده می‌شود: پیشونیت باز شده‌ها، شفیع، یواش یواش داری زنده می‌شی مثل بهار» و می‌تواند وجود ائمه را در خود احساس کند

(عاکف، ۱۳۹۳: ۳۰۹-۳۰۸). نویسنده در کنار این شخصیت‌ها به طور مبسوطی به شخصیت «هاشم» هم برای ایجاد تقابل و کشمکش داستانی، پرداخته است. او نماد نفس‌پرستی، مادی و سطحی‌نگری به مسائل دینی است که سعی می‌کند ضمن تخطئه رویکرد علی و دوستانش، مسیر عرفان‌های کاذب را نیز با مصرف مواد مخدر و مستی و پایکوبی تجربه کند: «لباس‌ها را درمی‌آورند ... هر کدام یک لنگ می‌پیچند دور کمرشان ... آتش حسابی گرد می‌گیرد ... پیرمردها ... شروع می‌کنند به گشتن دور آتش! حرکاتشان آهسته است و موزون ... بلند و کشیده شروع می‌کنند به ذکر گفتن، ذکر عده‌ای خاص از درویش‌ها. کمی بعد، رقص‌شان تند می‌شود. ذکر گفتنشان هم» (عاکف، ۱۳۹۳: ۲۵۸-۲۵۷).

ریشه در اعماق

رمان ریشه در اعماق را می‌توان به نوعی رمان معنای زندگی در قالب جنگ دانست، جنگی با دشمنی که نمادی از جنگ با نفس انسان است. به این منظور نویسنده با طرح آیه یازدهم سوره الصافات در قالب سوال شخصیت اصلی رمان (شفی محمد) از خود، به علت آفرینش انسان اشاره می‌کند که تنها آفرینش انسان از خاک تمام‌کننده هستی و غایت از آفرینش نیست. «کیم من؟ شاپوک! شفای محمد! یاسر! یا هر اسمی که بشود مرا با آن شناخت؟ آیا من همینم که هستم؟ به چندم؟ خمیره‌ام به چند؟ انا خلقناهم من طین لآزب» (حسن بیگی، ۱۳۸۹: ۹۴)، بلکه وجودی در او نهفته است که او را در مسیر اعتقادش، ایمانش و آرمان‌هایش پیش می‌برد تا به غایت الهی خود برسد. ایجاد این تفکر دنیای محدود قومی، قبیله‌ای و مادی را در پیش او کم‌رنگ جلوه کرده، با ریاضت خاصی که رنگ و بویی عرفانی دارد، از آن‌ها عبور می‌کند. حضور در جبهه و مشاهده معنویت و اعتقادات حاکم بر آن بر تشدید این تفکر اثری خاص می‌گذارد. گو این که وارد مرحله‌ای از سلوک عرفانی در ادامه مسیر زندگی خود شده است. معنای زندگی در پیش او متعالی است و هدف او از زندگی چیزی فراتر از این امور مادی است. او سعی دارد این نگرش را با بیان رشادت‌ها و ایثارهای خود در جنگ نفسانی به فرزندش نیز منتقل کند. به همین خاطر او را در مشهد بزرگ می‌کند تا معنی زندگی را با توسل به امام رضا علیه السلام و معصومین با نگاهی معنوی و دینی و عرفانی دریابد و به تعالی معنوی برسد. خود نویسنده هم به رویکرد عرفانی اثر اشاره دارد: «شفی محمد برای دیدن فرزند خردسالش خیروک به حرم امام رضا علیه السلام می‌رود و خیروک را در حال تشییع چهارده شهید می‌بیند. چهارده شهیدی که باز نمادی از چهارده معصوم است و راهی که آن‌ها پیش روی شفیع محمد می‌گذارند. شفای محمدی که

اینک در قالب خیروک خردسال در آغاز یک راه پرمخاطره اما معنوی است؛ سلوکی دینی و عرفانی، که به داستان غنای دینی و عرفانی خاصی می‌بخشد» (حسن بیگی، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

جدول ۳. رویکرد اخلاقی - عرفانی

عنوان		محورها
ریشه در اعماق	رقص در دل آتش	اعتقادات
۱. رضای خدا	۱. دین داری و ایمان به خدا	
-	۲. توکل	
-	-	نبوت
۱. شهادت	۱. انا لله و انا الیه راجعون	معاد
۱. امام رضا <small>علیه السلام</small>	۱. امام زمان <small>علیه السلام</small>	امامت
۲. چهارده معصوم	۲. حضرت فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small>	
-	-	-
-	۱. لقمه شبهه‌ناک	واجبات
-	-	
-	۱. توسل به قرآن	مستحبات
-	-	
۱. شهادت طلبی	۱. مبارزه با نفس وسوسه‌های شیطانی	فضایل
۲. صبر و استقامت	۲. مراقبه	
۳. دل‌بستگی نداشتن به مادیات و امور دنیایی	۳. نگاه به دنیا و طبیعت به عنوان نشانه خدا و محو شدن در حق	
-	۴. حضور قلب	
-	۵. شجاعت	
-	-	ردایل

نتیجه‌گیری

برقراری نظام جمهوری اسلامی بر پایه موازین دینی، شروع جنگ تحمیلی و تسری این موازین به مقوله جنگ و به تبع آن شکل‌گیری جریان متعهد در ادبیات داستانی دفاع مقدس از جمله عواملی بودند که باعث بازتاب مسائل دینی در سه حوزه اعتقادات، احکام و اخلاق با رویکرد تربیتی و تعلیمی در رمان‌های جنگ شد. تشویش روزگار، نیاز به فراخواندن رزمندگان به میدان‌های نبرد و همچنین نوپایی ادبیات جنگ، سبب شد تا بستر مناسبی برای خلق رمان‌هایی با رویکرد تربیتی و تبلیغی به عنوان زیر شاخه‌ای از ادبیات تعلیمی شکل بگیرد. نویسندگان رمان‌های «نخل‌های بی‌سر» و «نفس

ها و هوس‌ها» در این مسیر گام برداشتند تا مخاطبان خود را به شکلی تبلیغی با نگاه دینی، مذهبی و اخلاقی خود همراه سازند. در ادامه، نویسندگان رمان‌های «باغ بلور»، «زیر درخت آلبالو»، «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» و «رُنج» تلاش نموده‌اند آن را از حالت تبلیغی به تعلیمی سوق دهند و به مرور زمان با افزودن ویژگی‌هایی در این سه دهه، مثل نقد برخی از رفتارهای غلط دینی، رئالیسم الهی، استفاده از مبانی استدلالی و طنز، آن‌ها را از طرح موضوعات دینی خاص و تکراری به موضوعاتی جذاب‌تر و نوتر ارتقاء دهند. علی‌رغم محوریت داشتن این رویکرد در سه دهه رمان‌نویسی جنگ، پایان یافتن جنگ و برقراری آرامش نسبی، تثبیت و نهادینه شدن ارزش‌های انقلاب اسلامی و فرهنگ دینی و مذهبی در جامعه، تأمل در ماهیت و وجوه مختلف جنگ و بالندگی نویسندگان، سبب شد تا برخی از آنان نگاهی فلسفی - کلامی و اخلاقی - عرفانی را در قالب رمان جنگ مطرح نمایند. آنان تلاش کرده‌اند به صورت عمیق‌تر، نسبت به انجام رسالت دینی و پالایش فکری مخاطبان خود اقدام نمایند. بنابراین نویسندگان رمان «هلال پنهان» و «پل معلق» شاخه‌هایی از رویکرد فلسفی و کلامی را انتخاب کرده، فلسفه مرگ و زندگی را به عنوان واژگان کانونی رمان مطرح کرده‌اند تا بر تشکیک افکنی تفکر شبه‌روشنفکری القای بیهودگی جنگ ایران و مرگ انسان‌ها را پاسخ دهند. نویسندگان رمان‌هایی چون «ریشه در اعماق» و «رقص در دل آتش» نیز رویکرد غالب اخلاقی - عرفانی را از معنویت توأم با عرفان حاکم بر رزمندگان به عاریه گرفتند و آن را به شکلی هنری در قالب عرفان اسلامی بیان کرده‌اند. در نهایت می‌توان گفت که دین در اکثر رمان‌های دفاع مقدس نه تنها یک مفهوم و محتوا، بلکه ابزار و روشی تربیتی است که نویسندگان آن با تأثیر از دستاورد دینی انقلاب اسلامی، کوشیده‌اند در مسیر حرکت آن، با رویکردهایی چون تربیتی - تعلیمی، فلسفی - کلامی و اخلاقی - عرفانی مخاطبان خود را نیز با نگاه دینی، مذهبی و اخلاقی با شدت و حدت خاصی همراه ساخته، سرانجام آنان را به یک پالایش اعتقادی، عملی و اخلاقی در حوزه دینی و مذهبی در راستای اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران برسانند.

پیشنهادها

با توجه به این که از نظر مقام معظم رهبری، کار فرهنگی و استفاده از زبان هنر برای تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی و به ویژه دفاع مقدس، بسیار مهم بوده و پیوسته از جانب ایشان به این امر تأکید می‌شود لذا تبیین، تشریح و نقد آثار ادبی در این خصوص، ضمن ارج نهادن به منویات معظم له، در بازشناسی و تعمق این آثار و در نتیجه بالندگی انقلاب اسلامی نقش زیادی را ایفا می‌کند.

کند. بنابراین لازم است به ادبیات توجه ویژه‌ای شود.

منابع

- (۱) قرآن کریم.
- (۲) اکبری مازندرانی، احمد، (۱۳۷۱). *زیر درخت آلبالو*. قم: خرم.
- (۳) بایرامی، محمدرضا، (۱۳۸۶). *پیل معلق*. تهران: افق.
- (۴) برزگر، ابراهیم، (۱۳۸۹). *ساختار فهم اندیشه سیاسی اسلام*. دانش سیاسی، دوره ششم، پاییز و زمستان، شماره دوم، صص ۷۲-۴۳.
- (۵) حسن بیگی، ابراهیم، (۱۳۹۲). *جنگ و رمان‌هایش*. تهران: سروش.
- (۶) حسن بیگی، ابراهیم، (۱۳۸۹). *ریشه در اعماق*. مشهد: ملک اعظم.
- (۷) حنیف، محمد، (۱۳۸۶). *جنگ از سه دیدگاه*. تهران: صریح.
- (۸) حنیف، محمد، (۱۳۹۵). *داستان سیاسی، داستان انقلاب*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- (۹) حنیف، محمد و محسن، (۱۳۹۶). *نوشتن در سایه جنگ*. تهران: شهرستان ادب.
- (۱۰) دهقان، احمدف، (۱۳۸۵). *سفر به گرای ۲۷۰ درجه*. تهران: سوره مهر.
- (۱۱) زرشناس، شهریار، (۱۳۸۸). *جستارهایی در ادبیات داستانی معاصر*. تهران: کانون اندیشه جوان.
- (۱۲) زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۱). *شعر بی دروغ، شعر بی نقاب*. تهران: علمی.
- (۱۳) سرشار، محمدرضا، (۱۳۹۰). *ادبیات داستانی ایران پس از انقلاب اسلامی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- (۱۴) سرشار، محمدرضا، (۱۳۸۷). *ورود نویسنده به ساحت داستان و خروج شخصیت‌ها از آن*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- (۱۵) سعیدی، مهدی، (۱۳۹۵). *ادبیات داستانی جنگ در ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- (۱۶) سلیمانی، بلقیس، (۱۳۸۰). *تفنگ و ترازو*. تهران: روزگار.
- (۱۷) شابهاری، رضا، (۱۳۶۷). *نفس‌ها و هوس‌ها*. تهران: توسن.

- ۱۸) شجاعی، محمدصادق، (۱۳۸۳). *توسل به خدا*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- ۱۹) شوهانی، علی رضا، (۱۳۹۳). *بررسی ۱۰ رمان دفاع مقدس*. ایلام: جوهر حیات.
- ۲۰) شیرزادی، علی اصغر، (۱۳۷۷). *هلال پنهان*. تهران: صریح.
- ۲۱) عاکف، سعید، (۱۳۹۳). *رقص در دل آتش*. مشهد: ملک اعظم.
- ۲۲) فراست، قاسمعلی، (۱۳۶۳). *نخل های بی سر*. تهران: انجام کتاب.
- ۲۳) - کافی، غلامرضا، (۱۳۹۳). *پژوهش نامه ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس*. جلد اول، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- ۲۴) محمودی نورآبادی، محمد، (۱۳۹۰). *زنج*. تهران: شاهد.
- ۲۵) مخملباف، محسن، (۱۳۶۳). *باغ بلور*. تهران: نی.
- ۲۶) مخملباف، محسن، (۱۳۶۱). *مقدمه ای بر هنر اسلامی*. تهران: بی نا.
- ۲۷) مستور، مصطفی، (۱۳۸۴). *موقعیت دینی و گونه داستان دینی*. ویژه نامه روزنامه شرق، ۱۶ بهمن.
- ۲۸) مطهری، مرتضی، (۱۳۸۲). *انسان و ایمان*. تهران: صدرا.
- ۲۹) میرعابدینی، حسن، (۱۳۸۳). *صد سال داستان نویسی ایران*. جلد ۳ و ۴، تهران: نشر چشمه.
- ۳۰) میرعابدینی، حسن، (۱۳۸۶). *فرهنگ داستان نویسان ایران از آغاز تا امروز*. تهران: نشر چشمه.
- ۳۱) ولک، رنه، آوستین، وارن، (۱۳۷۳). *نظریه ادبیات*. مترجم ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۳۲) یونگ، کارل گوستاو، (۱۳۹۰). *روان شناسی و دین*. ترجمه فواد روحانی، چاپ هفتم، تهران: علمی و فرهنگی.

